

راه

نقشه

نقشه راه

پروژه‌ی کودار و پیک جهت اقدام
برای دموکراتیزه کردن ایران

و مدار

جامعه‌ی دموکراتیک و آزاد شرق کوردستان
FREE AND DEMOCRATIC SOCIETY OF
EASTERN KURDISTAN
کۆمه‌نگای دیموکراتیک و ئازادی روزه‌لاتی کوردستان
مجتمع شرقی کوردستان الديمقراطية الحر



کشور ایران با اوضاع کنونی خود پس از گذشت چهل سال وارد مرحله گذار شده. بحران‌های انفجاری اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ناشی از سیاست‌های اشتباه نظام جمهوری اسلامی ایران تکانه‌هایی را موجب شده که عواقب آن دامنگیر ملت‌های آن کشور و کوردستان است. تمرکز شدید سیاست و قبضه‌کردن مطلق آن در دست نظام حاکم، سیاست استحاله فرهنگی ملت‌های کورد، بلوچ، آذری، عرب و غیره و توزیع نابرابر اقتصادی - مالی که بشدت سیاسی است، برخوردهای ملیت‌پرستی و سپاه‌سالاری در گزینه‌های نظامی و دیپلماسی خارجی با علمداری سپاه پاسداران، همه و همه زائیده کائوس ذهنیتی است که فراتر از یک بحران، فروپاشی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را به میان آورده و لاجرم یک انفجار انقلاب مردمی و تغییر دموکراتیک را حتمی ساخته است. تمامی اینها این خطرات را بدنبال داشته‌اند: نخست؛ جامعه را دچار بحران بیکاری، گرسنگی، فروپاشی اخلاقی، تنگدستی، نابودی تولید اقتصادی، تنش‌زایی خارجی، تشدید وحشتناک فاشیسم، به اسارت‌گرفتن جامعه، تبعیض علیه زنان بوسیله مردسالاری و دولت‌پرستی، نابودی پتانسیل هوش جمعی جامعه و فرار مغزها، سیاهی‌لشکرشدن جوانان و بی‌هویت ساختن آنها، تشدید لیبرالیسم بعنوان صبغه فرهنگی غالب، فرار سرمایه‌ها، تجارت‌پیشه‌گی بجای تولید، تمرکز ثروت و غصب شریان‌های حیاتی کشور بدست سپاه، دولت و نهادهای نظام، خصوصی‌سازی باهدف نابودی اقتصاد. دوم؛ نابودی محیط زیست با بیابان‌زایی، سدسازی بی‌رویه سیاسی و خشک‌کردن رودخانه‌ها و تالابها، عدم حفظ و احیای جنگل‌ها، بروز کلان‌شهرهای سرطانی و انفجار جمعیت، گسترش اعتیاد، سیستم آموزشی ناستاندارد، گره‌زدن زورمدارانه ناف جامعه به دولت و نظام، حوزه سلامت ناکارآمد. سوم؛ ستم ملی علیه ملت‌های داخل ایران، ترویج زورمدار یک دولت، یک پرچم، یک دین، یک وطن و ضدیت با دیگر ملت‌ها با حذف موزائیک فرهنگی، نگاه امنیتی به کوردستان، بلوچستان، اهواز و غیره و عدم حل مسالمت‌آمیز ملت‌های ایران، عدم گشایش سیاسی، سال‌ساختن قانون و حقوق دولتی و تحمیل آن بر جامعه مدنی، درپیش‌گرفتن سناریوهای بی‌رحمانه حاکمیتی برای عقیم‌ساختن جامعه و سرکوب خشن قیام‌های مردمی - انقلابی با حذف فیزیکی - فرهنگی. در کل، باید با منطقی‌رادی‌کال گفت که بحران‌های یادشده صرفاً زائیده دست دولت و نظام نیست، بلکه با لحاظ‌کردن ابعاد خارجی آن، نظام سرمایه‌داری و ذهنیت لیبرالی جهانی هم به همان اندازه مقصر و ضدمردمی است. به همان اندازه که سرمایه‌داری در سراسر جهان ملت‌ها را برده ساخته است، نظام ایران هم در داخل به عنوان یکی از مذاهب آن، نقشی مشابه دارد. هر دو نظام ایران و سرمایه‌داری جهانی به یک اندازه مقصرند. نظام ایران با به اوج رساندن بحران‌ها درصدد است خلق‌ها و جامعه را به تسلیم‌شدن وادارد.

در این بحبوحه، جنگ جهانی سوم در خاورمیانه با دو ذهنیت متفاوت مدرنیته سرمایه‌داری از یک سو و مدرنیته دموکراتیک از دیگر سو در جریان و مرکز ثقل آن کوردستان است. قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای از کارت کورد برای نابودی ملت‌های کوردستان، ایران، سوریه، ترکیه، عراق و به تبع آن دیگر ملت‌های کشورهای منطقه استفاده می‌کنند. لذا نظام ایران (همه جریان‌های اصول‌گرا، میانه‌رو و اصلاح‌طلب) هم بر سر منافع با جبهه سرمایه‌داری جهانی ستیزه‌گری می‌کند و هم علیه جبهه سوم یعنی خلق‌های کوردستان، ایران و منطقه با تشکیل هلال شیعی از یمن تا لبنان، دشمنی. این جنگ که مهر جنگ اتمی و الکترونیک بر آن خورده، می‌رود که پس از افغانستان، عراق و سوریه، ایران را هم ببلعد. نظام کنونی ایران این خطرات و تهدیدها را به زبان محافظه‌کاری، سپاه‌قدسی و سرکوب مردمی پاسخ می‌دهد. هم‌اکنون جنگ جهانی سوم در ابعاد روانی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی وارد ایران شده و دورغی جنگ نظامی و مداخلات ویرانگر جهانی را ترسیم کرده است و راه بازگشتی نیست مگر با عملکرد عقلانی - انسانی از سوی جمهوری اسلامی با پذیرش مطالبات مردمی. شرق کوردستان هم انگار همچو ایران آخرین جولانگاه این جدال ابرقدرت‌های جهانی و قدرت‌های منطقه‌ای خواهد بود. نباید ملت‌های ایران سناریوهای نابودگر و قتل‌عام‌گرانه استثماری خارجی و داخلی را برتابند. در داخل ایران، دولت - ملت سرکوب می‌کند و فریب می‌دهد و اصلاح‌طلبان و اقمار آن هم توجهی به قیام مردمی ندارند و در مراتب بالا بر سر قدرت با نظام چانه‌زنی می‌کنند، در خارج هم ابرقدرت‌های آمریکا و اروپا فقط به دنبال سوریه‌ای‌کردن ایران و تصاحب حوزه‌های انرژی - قدرت آن هستند؛ همچنین اپوزیسیون چه راست‌گرا و چه چپ‌گرا صرفاً

به دنبال براندازی هستند و برنامه‌ای شفاف و آینده‌ساز ندارند. همه اینها پتانسیل خلق‌ها برای قیام را نابود می‌کند. جامعه از هفت تا هفتاد ساله دیگر امنیت ندارد. قدرت‌های جهانی با فشار روانی و جنگ برای ملت‌ها نسخه‌پیچی می‌کنند. مسایل جانبی و قدرت‌محور چون برجام یا موشک‌سازی به جامعه و جنبش آزادیخواهی هیچ ارتباطی ندارد، آن مسایل صرفاً ابزارهای سیاسی - رقابتی میان ابرقدرت‌های جهانی و نظام حاکم ایران است و نهایت آن جنگ یا توقف جنگ است، پس نباید قیام مردمی را به سطح بی‌ارزش آن مسایل سقوط داد و تقلیل‌دهی به آن سطح یعنی فقدان حل.

کوردستان در اثنای این جنگ در چنگال نسل‌کشی فرهنگی قرار دارد و میدان جنگی غرب و دولت‌های محافظه‌کار منطقه‌ای شده است. ملت کورد در حال قیام است و بدنبال راه‌های پست از قبیل جابجایی قدرت، براندازی و حتی سازش نیست، بلکه بصورت رادیکال در کنار ملت‌های ایران سوار بر موج خروشان بهار خلق‌ها است. جنبش آزادی‌خواهی کوردی بدنبال تغییر و چاره‌یابی رادیکال و ریشه‌ای است، ولی دولت ایران، اپوزیسیون و قدرت‌های جهانی پروژه دموکراتیک شفاف عاری از جنگ ندارند. گزینه‌ها صرفاً شامل تحریم و مداخله نظامی است. عواقب این گزینه‌های بشدت سیاسی و منفعت‌طلبانه فقط متوجه جامعه مدنی می‌شود. اپوزیسیون کلاسیک و غیررادیکال تنها بدنبال سهم‌خواهی از دولت - ملت ایران است، لذا رنگ مردمی به خود نگرفته. چه‌بسا تحمل انتقادات رادیکال را هم ندارند.

قیام دموکراتیک مردمی

الف - ملت‌ها: برای حل بحران ایران و کوردستان هم به پروژه‌های داخلی و هم خارجی نیاز هست، اما نه جامعه و نه جنبش آزادیخواه راستین نباید پروژه‌های معضلساز خارجی و داخلی را بپذیرند. نباید مرکزگرایی و غیردموکراتیک‌بودن داخلی و خارجی را برتوانند. در جریان تغییر و تحول در ایران، هم فاکتور بین‌المللی و نظام کنونی ایران و در راس آن ملت‌ها ضروری هستند، اما اولویت باید از آن مبارزات مردمی و سیاست‌ورزی مردم باشد. دولت فعلی که بعنوان جناح میانه‌رو خود را معصوم‌تر از جناح اصول‌گرا قلمداد می‌کند، فقط نقش بازدارنده علیه خیزش مردمی دارد. بحران‌های متعدد موجب شده پتانسیل مردمی برای حل دموکراتیک به بالفعل درآید، ولی دولت میانه‌رو در خدمت اصولگرایان نظام درصدد مهار آن است.

ب - قیام مردمی؛ گام عملی دموکراتیزاسیون: قیام‌های سراسری دی‌ماه سال ۹۶ که همچنان بصورت اعتصابات و اعتراضات اصناف، افسار، کارگران، زنان و جوانان ادامه دارد، سیاست دموکراتیک و مبارزه واقعی است که تداوم مبارزات دهه‌های گذشته است و بالاخره بصورت رادیکال اوج گرفته. این قیام مردمی متوجه شده که مشکل هم ذهنیت دولت است و هم ذهنیت اپوزیسیون، لذا در تقلا برای احیای خود و بازگشت به هویت راستین خویش است. هیچ نیروی داخلی و خارجی توان مهار این قیام ملت‌ها را ندارد. این قیام، قیامی مشترک برای ایجاد ذهنیتی مشترک و آزاد میان ملت‌های کورد، فارس، بلوچ، آذری، عرب و ... است جهت حصول حیاتی آزاد، نیک و زیبا. سازمان‌های مردم‌نهاد، زنان و جوانان پیشاهنگ برحق و فوق‌العاده فعال این قیامند. برای به پیروزی رساندن این قیام نه مردم، نه اپوزیسیون و جنبش و نه حامیان بین‌المللی نباید با دولتی که انکارگر است سازش، بلکه مبارزه رادیکال کنند. همچنین نباید به براندازی دولت و نظامی که در ایران حاضر به پذیرش مطالبات مردمی و خلق‌ها باشد در راستای قدرت و منافع کم‌ارزش، فکر کنند و در صورت عدم پذیرش هم باید عملاً مبارزه نمایند. بحران‌ها به حد اشباع رسیده، جامع آگاه و سیاسی گشته، لذا باید این جامعه مطابق سازماني مقاومت‌گر هزینه کند که دارای ذهنیت، مبارزه و تفکر راست است. انتخاب مردمی باید رادیکال باشد زیرا نه نظام ایران می‌تواند همچو سابق بماند و نه اپوزیسیون. تنها مردم و خیابان قادر به حل مسایل و بحران‌های اجتماعی - سیاسی ایرانند. حتی اگر قرار باشد گشایش سیاسی ایجاد شود، فقط بدست جامعه ممکن خواهد شد. گریز و یا پذیرش نظام حاکم ایران برای اعاده حقوق و آزادی‌ها کاملاً به حضور عملی خلق‌ها در خیابان بستگی دارد. دیگر نه دولت توان گریز دارد و نه مردم مجال فرار از وظیفه قیام. چراکه طرف اصلی در تغییر دموکراتیک ایران و کوردستان خود خلق‌ها هستند، لذا نه اعتراضات محدود مردمی کافی است و نه اعتراف‌های عوام‌فریبانه دولت. دولت و نظام برای حل بحران اقتصادی باز هم همچو سابق خود را مرکز قرار می‌دهند، همچنین برای چاره‌یابی بحران‌های اجتماعی و سیاسی، بازهم سعی می‌کنند بیش از پیش جامعه را به خود وصل و به انحراف از قیام بکشانند. پرواضح است

که بنا به اصول فوق‌الذکر، خیزش دی‌ماه در ایران و شرق کوردستان، مقطعی و گذرا نیست، بلکه همچنان و الزاما به انحاء و صورت‌های گوناگون ادامه دارد. طرح مسایل عوام‌فریبانه همچو «حقوق شهروندی» و یا «رفراندوم» از سوی دولت کنونی ناچیزتر و متفاوت‌تر از قیام ریشه‌ای، مبارزات دموکراتیک مردمی و حتی نوع رفراندوم‌خواهی مردم و چه‌بسا طرح انحراف قیام است. قیام رادیکال مردم حتی در صورت پذیرش نظام برای تحول، باید تا نتیجه نهایی ادامه یابد. نایستی طرف‌های نظام و اپوزیسیون به دورویی و سازش با هدف مهار مردم دست زنند.

چه بسا حل نهایی و تغییر دموکراتیک بدون دولت و قدرت‌های خارجی هم ممکن است؛ اگر نظام حاضر به اعاده حقوق، آزادی‌ها و پذیرش مطالبات طبیعی خلق‌ها نشد، این خود خلق‌ها هستند که باید برای دموکراتیزه‌کردن کشورشان اقدام کنند. پس سناریوهای تخریب‌گر جناح‌ها و جریان‌ها حق تحمیل خود را ندارند. این یک هشدار اخلاقی طبق سیاست دموکراتیک است. مردم دموکراسی را از دولت طلب و یا گدایی نمی‌کنند، بلکه با رنج و مبارزه خود بنیان می‌نهند.

ج - کمیسیون حقیقت‌یاب مردمی: اگر قرار است مسائل داخلی کشور از طریق مسالمت‌آمیز حل و فصل شوند، جامعه باید نظام داخلی و طرف‌های بین‌المللی را مجبور به پذیرش کمیسیون حقیقت‌یاب مردمی کند. پس تشکیل و جهت‌دهی کمیسیون‌های حل بحران‌های سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک و نظامی میان جامعه و نظام، کار اصلی خود جامعه است. این کمیسیون‌ها برای حل دموکراتیک بحران‌ها و ممانعت از دخالت نظامی خارجی است تا سوریه‌ای شدن ایران را مانع شود. مسائلی چون بگرام و تروریسم ساخته دست خود دولت‌ها و مسئله آنهاست نه جامعه. مداخلات خارجی مبارزات مردمی را تهدید می‌کند همانند نمونه سوریه.

د - سازمان‌های مدنی دموکراتیک: در این جریان، سازمان‌های مدنی دموکراتیک، جزو اپوزیسیون اجتماعی محسوب می‌گردند. سازمان‌های مدنی در کنار جامعه مدنی خود نباید با گامی ناچیز بدنال این باشند که سهمی از دولت بگیرند، زیرا خود اساس کار هستند و دنباله نظام و حتی موازی آن هم نیستند، بلکه موجودیتی خودم‌مدیر، اولویت‌دار و تأثیرگذار هستند. چنین جامعه‌ای سیاسی - دموکراتیک است و تهدید نیست، فرصت است. جامعه‌ای که به دولت وصل گردانده شود، جامعه واقعی نیست. اتحاد خلق‌ها در خیابان، یک امر سرنوشت‌ساز و اعتراضات و اعتصابات، تهرین اراده دموکراتیک و خودگردان جامعه در عرصه عمل است. مبارزات جامعه کنونی ایران، جستجو برای رسیدن به مدرنیته دموکراتیک در برابر مدرنیته سرمایه‌داری داخلی و خارجی است. جامعه درمقابل نظام ایران و سرمایه‌داری جهانی، نیروی سوم است و در هیچ‌کدام ادغام نمی‌گردد. ادغام شدن یعنی گرفتار شدن به سرنوشت سوریه، عراق، افغانستان و تنها راه، خودم‌دیریتی یا خودگردانی ملت ایران و کوردستان است. پتانسیل اصلی اعتراضات مردمی همین قدر نیست، بلکه بیشتر و رادیکال‌تر و در راه است. ملی‌پرستی، دین‌پرستی و سوداگری مذهب فقط می‌تواند ملت‌ها و ادیان را نابود سازد. خوداتکایی و خودکفایی فکری قطعاً جامعه و خیابان را از قربانی شدن‌های مکرر در جریان مسایل انحرافی چون بگرام، تحریم، برنامه موشکی و رقابت انرژی و قدرت، نجات می‌دهد.

هـ - زنان: زنان که در قیام دی‌ماه ۱۳۹۶ خیزشی رادیکال‌تر انجام دادند، مرکز ثقل مبارزات دموکراتیک و خودگردان جامعه هستند. دیگر زن‌ستیزی نظام به حد انفجار رسیده و می‌رود آزادی زنان از چنگال فرهنگ‌های واپس‌گرای داخلی و خارجی تحقق یافته و بدست خود جامعه شالوده گیرد. تاریخ انقلاب‌ها در ایران نیروی مضاعف زنان را اثبات کرده است و تصور آینده‌ای دموکراتیک و آزاد بدون آزادی زنان محال می‌نماید.

و- جوانان: جوانان بعد از زنان بعنوان قربانی اصلی دست نظام حاکم، در واقع نیروی محرکه مبارزات و قیام علیه بحران‌ها هستند. دیگر فریب جریان‌های متقلب که برانداز هستند ولی پروژو ندارند را نخواهند خورد. در چاره‌یابی مسایل سیاسی، اقتصادی، سلامت و آموزش و در بر ساخت دموکراتیک، کلید اصلی جامعه، جوانان هستند و نسخه‌پیچی‌ها و سناریوهای تخریبی داخلی و خارجی را نباید هرگز بپذیرند.

جامعه دموکراتیک و آزاد شرق کوردستان (کودار) به مثابه بخشی از موج خروشان قیام در ایران و کوردستان، هوشمندانه متوجه اوضاع اسفبار جامعه، فرصت‌ها و تهدیدها علیه ایران و کوردستان است. سیستمی هستیم که کالبد آن کنفدرالیسم دموکراتیک و روح آن ملت دموکراتیک است. کودار برای آزادی ملت‌ها، بویژه ملت‌های ایران و شرق کوردستان مبارزه می‌کند. نظامی می‌باشد که دارای پروژۀ دموکراتیک عاری از جنگ است. در این راستا، اعتراف نظام کنونی ایران به وجود مسئله ملت‌ها، بویژه مسئله کورد را کافی نمی‌داند و بصورت رادیکال خواستار گام‌های عملی از سوی نظام است، اگرچه دارای چنان رویه مبارزاتی است که از مارژینال‌شدن به دور و هیچ گشایشی را از دولت‌ها، نظام‌ها و جریان‌های سیاسی - نظامی عاجزانه طلب نمی‌کند.

الف - اولویت کودار:

جامعه

هرگونه سازش بر سر آزادی، دموکراسی و جامعه را خیانت به مقاومت می‌داند. محور اصلی مقاومت را جامعه می‌داند. حتی کودار نقشه راه رادیکال خود را صرفاً نه برای ارائه به دولت، بلکه به جامعه و خلق‌ها و نشان دادن راه صحیح مبارزه و دورنگی آن پیشنهاد می‌کند. اولویت را در چاره‌یابی به سازماندهی مردمی و جامعه می‌دهد بعد اولویت‌های دیگر را برای پروژه‌های حل نظام‌های داخلی و بین‌المللی در صورت صلح‌جویانه بودن قایل می‌شود. هرگونه پروژه‌های بدون محوریت اول و اصلی ملت‌ها را تلاش برای انحراف مبارزه می‌داند. جامعه را دارای دوازده مسئله بنیادین «دولت و قدرت، سیاست و اخلاق، ذهنیت، اقتصاد، صنعت‌گرایی، محیط‌زیست، مسئله خانواده، زن، جمعیت و جنسیت‌پرستی، مسئله شهرگرایی، طبقه و بروکراسی، آموزش و سلامت، ملیتاریسم (نظامی‌گری) و صلح و دموکراسی» که در سطح ایران، کوردستان و جهان مشترک است، می‌داند و طبق آن به پروژه‌های صلح‌جویانه دموکراتیک داخلی، خارجی و کوردستانی اهمیت می‌دهد.

ب - پروژه ملت دموکراتیک کودار

تأسیس ملت دموکراتیک را بعنوان پروژه‌های خودگردان ارایه می‌دهد و مطابق نوع برخورد نظام کنونی ایران و جامعه جهانی نسبت به آن پروژه جامعه‌محور، عمل می‌کند. تاریخ اثبات کرده که راهکار ستم ملی علیه کوردها و ملت‌های ایران و برخوردهای تبعیض‌آمیز و امنیتی چاره کار نیست. کودار به دنبال حل دموکراتیک بدون جنگ است و اجازه نمی‌دهد طرف مقابل با وعده‌و وعید و اظهار یک جمله مبهم در مورد مسئله‌ای بزرگ و جهانی چون مسئله کورد، آن را بی‌اهمیت جلوه دهد. پروژه ملت دموکراتیک برای آزادی و همزیستی خلق‌هاست نه تشکیل قدرت، تجزیه خاک، تحمیل و برتری دادن پرچم، دین، ملیت و نژاد. آزادی زنان را به لحاظ اهمیت همسنگ کل جامعه و انقلاب دموکراتیک می‌داند. زنان، جوانان و اکولوژی (محیط‌زیست) را سه محور اصلی انقلاب دانسته و پروژه‌های عاری از این سه را کلاسیک، واپس‌گرا و غیررادیکال محسوب می‌کند.

ج - کودار و فاکتورهای داخلی و بین‌المللی

کودار دخالت نظامی خارجی علیه ایران را ترجیح نمی‌دهد، زیرا هم بحران را عمیق‌تر می‌کند و هم برضد مردم است. چه بسا کودار نه تنها نظام ایران، بلکه قدرت‌های جهانی سرمایه‌داری را هم سرچشمه این بحران می‌داند. برای چاره‌یابی مسایل، آن طرف‌ها را رد نمی‌کند، بلکه گزینه جنگ و اشغال امپریالیستی را ترجیح نمی‌دهد. مهم‌تر از همه، ایران و نظام آن را بصورت فعلی هم قبول ندارد. مداخلات نظامی و جنگ‌افروزانۀ خارجی و تهدیدهای دولت و حکومت ایران فشارهایی علیه جامعه و جنبش آزادیخواهی آن هستند، لذا کودار تُن و آهنگ مبارزات خود را مطابق خواست قدرت‌طلبانه دیگران کم و زیاد نمی‌کند. افق پروژه مبارزاتش هم خلق‌ها هستند و آنها را قربانی سازش و یا جنگ بی‌هوده نمی‌کند. انتخاب گزینه دفاع مشروع و اقدام دموکراتیک در صورت پاسخ رد نظام حاکم جزو اصول اساسی و غیرقابل اجتناب جامعه است زیرا اگر دولت و کل سیستم حاکم ایران حاضر به حل صلح‌جویانه نشدند، جامعه خود باید وارد عمل شده و سیستم خودگردانی خود را برقرار نماید و کشور را دموکراتیک گرداند، پس نظام باید بداند که چاره‌یابی بدون او هم

ممکن است.

کودار، همانطور که یک سیستم و فراتر از ساختار یک حزب است، پروژه آن هم ایرانی - کوردستانی و برای همه ملت‌هاست. کودار با اقدام‌ها و پروژه‌های صلح‌جویانه احتمالی اروپا و آمریکا ضدیت ندارد و گزینه ترجیحی‌اش جنگ نیست، چون آن راهکار را ترجیحی انسانی و دموکراتیک برای جامعه نمی‌داند. حتی با تحریمی مخالف است که برضد جامعه است و به تحریم علیه دولت کاری ندارد.

د- رهیافت کودار برای مسئله کورد

کوردها فرصت گریز از «آزادی نزدیک» را ندارند. نه نظام حاکم ایران توان فرار از وضعیت قهقرايي و نه آمریکا و بلوک غرب توان پشت‌گوش انداختن کوردها و نادیده‌گرفتن نقش سرنوشت‌ساز کوردها را دارند. نقشه «خاورمیانه بزرگ» آمریکا و «هلال شیعی» ایران هر دو نتیجه‌ای جز جنگ و ویرانی برای ملت‌های ایران و کوردستان ندارند. کوردها برای تحقق مدرنیته دموکراتیک در جهت متفاوت با مدرنیته سرمایه‌داری، پتانسیلی لایق هستند و کودار هیچ‌یک از احزاب و سازمان‌های مدنی کوردی را از آن بی‌نصیب نمی‌کند. با ایجاد اتحاد ملی کوردها همسو با اتحاد کل ملت‌های ایران، سفره‌ای پهناور را پیشنهاد می‌کند. کودار تابع خواسته‌های دموکراتیک جامعه است؛ بنابراین هیچ‌گاه پروژه‌های تفرقه‌انداز و کاهش‌دهنده میزان مشارکت دموکراتیک مردمی نیروهای کوردی را قبول ندارد ولی از پروژه‌های چاره‌یاب پشتیبانی می‌کند. کودار تغییر و تحول بنیادین را بجای رستوراسیون (تغییرات ظاهر سازانه)، میانه‌روی، رفرماسیون (اصلاح طلبانه) و اصول‌گرایی ترجیح می‌دهد و این رویه در تعامل با نیروهای ایرانی و کوردی مصداق دارد. سیاست‌های کودار عملاً و با گذشت زمان فرسایشی نشده است. پیش‌بینی‌هایش درست، موضع‌گیری‌هایش بجا و آینده‌نگر بوده. اتحاد ملی کوردها و اتحاد ملت‌های ایران برای حل مسائل حاد تاریخی، هردو از نظر کودار یک پروژه، فلسفه و ذهنیت مشترک را می‌طلبند. پس کودار، خودرأی‌بودن در ایران و شرق کوردستان را منش خود نمی‌داند و نمی‌پذیرد دیگران هم خودرأی عمل کنند. مبدأ مشارکت دموکراتیک کودار هم برای نیروهای کوردی و هم ایرانی است. در این میان نقش و اهمیت سازمان‌های مدنی را هم‌وزن احزاب می‌داند تا در اتحاد ملی دموکراتیک و روند چاره‌یابی مسائل مشارکت کنند و آنها را بخشی از اپوزیسیون می‌داند نه خارج از آن. سازمان‌های مدنی را پایه کنفدراسیون جامعه مدنی در برابر تشکلهای دولتی محسوب می‌نماید. کودار، چشم‌دوختن هر نیروی کوردی به دخالت نظامی خارجی و سپس غصب حوزه قدرت از سوی آنها در طرح‌های خیالی کنونی و آینده را ناصحیح می‌داند و مشارکت عملی و مبارزه دموکراتیک با محوریت مردم را بجای آن پیشنهاد می‌کند.

به باور کودار، نیروهای دفاع مشروع نیرویی شفاف در خدمت پروژه دموکراتیزاسیون در ایران و شرق کوردستان می‌باشند، زیرا نیرویی جنگ‌افروز نیست و صرفاً برای دفاع و خدمت بوده و بخشی از فرصت است نه تهدید.

ه- ابعاد عملی رهیافت دموکراتیک کودار

کودار برای برداشتن گام‌های عملی و گشایش سیاسی جهت چاره‌یابی مسئله کورد و مسایل ایران، بصورت شفاف و رادیکال ابعادی بسیار حیاتی را برمی‌شمارد که بدون آنها هیچ‌یک از جامعه، نظام ایران و جامعه بین‌الملل قادر به چاره‌یابی مسایل نخواهند شد. زیرا تنها راهکار واقعی را «مسئله دموکراسی و دموکراتیزه‌کردن ایران، قانون اساسی و دموکراتیزه‌کردن آن و گذار ملت به ملت دموکراتیک» برمی‌شمرد. تضمین دموکراتیزاسیون را برداشتن گام‌های عملی در ابعاد ذیل می‌داند:

۱- بعد حقوقی: در راستای بعد حقوقی باید چنان زمینه‌ای فراهم گردد که اقداماتی جهت مبدل ساختن قانون اساسی کنونی به قانون اساسی دموکراتیک به انجام برسد و حقوق ملت‌ها، مذاهب، زنان و سایر تنوعات در آن تضمین گردد. همچنین حقوق فردی و جمعی (کلکتیو) در جوامع گسست‌ناپذیر است و هر گسستی برای سرکوب و استثمار می‌باشد؛ پس باید حقوق فردی و جمعی در قانون اساسی دموکراتیک به منظور هماهنگی مابین این دو مقوله تعریف شفاف گردد.

۲- بعد کشوری - بومی: وطن مشترک و تمامیت آن باید چنان تعریف گردد که تنها متعلق به یک گروه دینی و اتنیکی منفرد نباشد، بلکه برای کل ادیان و اتنیک‌ها بوده و افراد آزاد، شهروندان دموکراتیک آن محسوب شوند. همچنین به لحاظ ابعاد کشوری و بومی، این وطن مشترک و مکان زندگی جامعه اکولوژیک (محیط‌زیست)، اقتصادی و دموکراتیک است و هم‌ه‌ی تفاوت‌مندی‌ها بایستی بتوانند آزادانه در آن سیاست‌ورزی نموده و در مدیریت مشارکت نمایند.

۳- بعد اجتماعی: جامعه نیازهای حیاتی و ضروری دارد که از قبیل آنها «آموزش، سلامت، ورزش، فرهنگ و حقوق» است. در این حوزه‌ها، جامعه در رابطه و رقابت متقابل با دولت قرار می‌گیرد و مشخص است که نهادهای کنونی دولت ناکارآمد است؛ لذا در توسعه آموزش، سلامت، ورزش، فرهنگ و حقوق که ضروریات اجتماعی هستند، زبان و اتنیسیته مسئله‌ساز نخواهند بود. کوردها با توسعه زبان کوردی، در چارچوب ملت دموکراتیک نهادهای آموزش و فرهنگ خود را گسترش می‌دهند. خلق‌های ایران و کوردها جزو تمامیت فرهنگی ایران و کوردستان هستند که بدون آنها این تمامیت ناقص است پس باید برای چاره‌یابی آن اقدام عملی کرد.

۴- بعد آزادی زن: در ایران در حوزه‌های حقوقی، سیاسی، اقتصادی و مدیریتی علیه زنان تبعیض صورت می‌گیرد. ذهنیت مردسالار جامعه و دولت بانی این تبعیض‌ها هستند. بدون رفع این تبعیض‌ها تحقق دموکراسی غیرممکن است. حقوق و آزادی‌های زنان باید تضمین قانونی داشته باشد. نکته آنکه بدون چاره‌یابی مسئله‌ی زنان اصولاً سخن از چاره‌یابی عبث خواهد بود.

۵- بعد امنیتی: این بعد، اقدامات چاره‌یابی، تعیین قوانین و تصمیم‌گیری‌ها درخصوص دیگر ابعاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. کوردها با خطر نابودی روبرو و همچنان از آزادی محرومند. در مبحث امنیت اجتماعی بویژه برای کوردها ضمانت قانونی برای حفظ موجودیت لازم است اما کافی نیست. در صورت پذیرش حل مسئله کورد، نهاد نیروی نظامی ایران بایستی بصورت رادیکال متحول گردد. این به معنای عدم برخورداری از نیروی دفاع مشروع نیست. نیروی دفاع ذاتی (مشروع) برای حفظ امنیت اجتماعی کشوری و بومی و دموکراتیزاسیون در ایران و کوردستان یک فرصت برای همزیستی است نه تهدید.

۶- بعد اقتصادی: کودار با رویکردهای کمونی اقتصادی، از جامعه و محیط‌زیست در برابر تخریب‌های انحصارگری و سلطه‌الیت‌ها دفاع می‌کند. گسترش فرهنگ کار همگرا در راستای رفع نیازها را اقتصاد راستین می‌داند. مخالف کالاپرستی است و به روابط اقتصادی ضروری جامعه بجای سودپرستی اهمیت می‌دهد. تبعیض علیه مناطق محروم را رد و توزیع عادلانه ثروت و منابع کشور را اساس کار قرار می‌دهد.

۷- بعد محیط‌زیست: صنعت‌گرایی، سرمایه‌پرستی انحصارگرایانه و بهره‌برداری سودمحور از منابع طبیعی محیط‌زیست را با فاجعه جبران‌ناپذیر روبرو ساخته و سدسازی بی‌رویه، بیابان‌زایی، نابودی منابع آبی طبیعی و منابع جنگلی و بافت سرطان‌وار شهری به تلاش دموکراتیک با محوریت تصمیم‌گیری اجتماعی - دولتی مبتنی بر رویکرد اخلاقی نیازمند است. در این راستا پارادایم کودار دموکراتیک و اکولوژیک بوده و خواستار تحول ساختاری در این زمینه است.

۸- بعد دیپلماتیک: کودار نمونه‌ای بسیار عالی در زمینه ارائه رهیافت دموکراتیک در سطح ایران است. بدون توجه به تفاوت‌های اتنیکی و ملی نمی‌توان مسایل ایران را حل کرد. از دیرباز نحوه نگرش به کوردها و کوردستان، تجزیه‌طلبی بوده که یک تبلیغ منفی است، اما برعکس، کودار سیستمی است که بدون تغییر در مرزها، توسل به راهکار نظامی و جنگ و یا تحمیل راهکارهای خاص خود، سعی در ایجاد یک سازماندهی همگرا که تمامی کوردها، بلوچ‌ها، اعراب، ترک‌ها (آذربایجانی‌ها) و ... را دربرمی‌گیرد و توسعه می‌بخشد، دارد. این مدل چاره‌یابی کودار بر ضد دولت‌ها نیست، بلکه کنفدرالیسم دموکراتیک و یک اتحادیه جامعه مدنی هست. این بدان دلیل است که فعالیت‌های دیپلماتیک دولت‌ها به تنهایی قادر به چاره‌یابی نیست.



نتیجه

برای حل مسایل اجتماعی باید مدیریت اجتماعی چنان باشد که میان قدرت‌گرایی و خودگردانی دموکراتیک تمایز قایل شود. مدیریت دموکراتیک و قدرت هژمونیک دو پارادایم مدیریتی متفاوت هستند. مدیریت قدرت‌مدار آخرین حربه‌اش ترویج فردگرایی در حوزه ایدئولوژی و خصوصی‌سازی غارتگر در حوزه اقتصاد است که آخرین درجه بحران است. پارادایم ملت دموکراتیک کودار برابری مبتنی بر تفاوت‌مندی‌ها و آزادشدن اجتماعی را مبنا قرار می‌دهد. هر شهروند و عضو ملت دموکراتیک سه وظیفه دارد: ۱- وظایف روشنفکرانه. ۲- وظایف اخلاقی. ۳- وظایف سیاسی. لذا با اتکاء بر این سه، مسایل دوازده‌گانه اجتماع را حل می‌کند. گذشته از این موارد، تغییر قانون اساسی ایران به قانون دموکراتیک، حیاتی است. باید قانون اساسی صراحتاً ایران را سرزمین مشترک همه خلق‌ها، جنسیت‌ها، مذاهب و هویت‌ها تعریف کند و ضمانت اجرایی - عملی داشته باشد. رویکردهای تمامیت‌خواه قیم‌مآبانه نظام ایران دیگر پذیرفتنی نیست. پیشاهنگی از آن ملت‌های ایران و حق اقدام عملی برایشان محفوظ است. تنها با محوریت جامعه و تقبل مطالبات آن، حل و چاره‌یابی تحقق خواهد یافت.

جامعه دموکراتیک و آزاد شرق کوردستان (کودار) - حزب حیات آزاد کوردستان- پزاک